

ذهن: درآمدی بر علوم شناختی

پل تاگارد، ترجمه رامین گلشایی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
چاپ نخست، ۳۳۱ صفحه.

۱. بررسی شکلی

کتاب ۳۳۱ صفحه دارد که البته بدون پیوست‌های آن ۲۹۰ صفحه است. بنابراین برای یک درس دو واحدی در مقطع کارشناسی ارشد حجم آن مناسب است. البته این کتاب، می‌تواند در درس‌هایی چون روان‌شناسی زبان به‌عنوان کتابی جنبی یا یکی از دو کتاب اصلی این درس به دانشجو معرفی شود، که با توجه به روان و خوش‌خوان بودن آن، برای دانشجو سبک و قابل فهم است. کتاب دارای پیشگفتار، بیان صریح هدف، مقدمه کلی، فهرست اجمالی مطالب، جمع پایانی هر فصل، تصویر، فهرست موضوعی، منابع و کتاب‌شناسی است.

محتوای کتاب در دو بخش اصلی سامان یافته است: «بخش ۱: رویکردها به علوم شناختی»، «بخش ۲: ضمائیم علوم شناختی». در بخش ۱، هشت فصل گنجانده شده که دارای عنوان‌هایی چون «بازنمایی و رایانش»، «مفهوم‌ها»، «تصویرها» و «مرور و ارزیابی» است. در این بخش مولف کوشیده است تصویری از علوم شناختی و رویکردهای مختلف مطالعه آن را به خواننده ارائه دهد. در بخش ۲، شش فصل گنجانده شده که دارای عنوان‌هایی چون «مغز»، «احساسات» و «آینده علوم شناختی» است. در این بخش تلاش مولف بر ارائه اطلاعاتی درباره حوزه‌های مطالعاتی بوده است که آگاهی از آنها در علوم شناختی از اهمیت برخوردار است. در فصل پایانی این بخش، که فصل آخر کتاب نیز است، مولف دورنمایی از علوم شناختی و مطالعات این حوزه را ارائه کرده است. با توجه به آنچه در این دو بخش کتاب آمده می‌توانیم بگوییم، کتاب در حد یک کتاب مقدماتی از جامعیت لازم برخوردار است، و از این رو با معرفی آن به‌عنوان کتاب درسی اهداف درس محقق می‌شود.

متن کتاب بسیار روان است؛ از این رو، خواندن و درک آن برای خواننده بسیار آسان است. به بیان دیگر در سراسر کتاب با متنی یک‌دست و فهم‌پذیر روبرو هستیم که به‌خوبی خواندن آن پیش می‌رود. البته گذشته از مواردی که به‌خاطر نو بودن اطلاعات کتاب، خواننده باید با سرعت کمتر و تعمق بیشتری کتاب را بخواند تا یادگیری آن بهتر امکان‌پذیر شود.

قواعد ویرایش و نگارش در آن به‌خوبی رعایت شده است. البته همان اشکال‌های ویرایشی و نگارشی در دیگر کتاب‌های دیده می‌شود در این کتاب هم وجود دارد. از جمله اینکه در بسیاری از موارد به نیم‌فاصله‌ها در چسباندن برخی وندها به پایه آنها بی‌توجهی شده است که مواردی از آنها را به عنوان نمونه می‌آوریم: نمی‌گیرند (ص ۹)؛ تصمیم‌گیرند گان، می‌گیرند، نمی‌گیرند (ص ۱۰)، می‌کنند، می‌گیرند (ص ۱۱)، می‌کنند، نمی‌گیرند (ص ۱۲)، رمز‌گشایی (ص ۱۴)، می‌گذارند، می‌کند، دیدگاه‌ها، می‌کنند (ص ۱۵)، کندو کاو (ص ۲۲ و ۲۳)، می‌گوید (ص ۲۶)، بر گزینند (ص ۲۸)، اعصاب‌شناختی (ص ۲۹)، سخت‌کوش (ص ۳۷)، تصمیم‌گیری (ص ۲۱۰)، اندیشه‌گران (ص ۲۶۶)، می‌گیرند، می‌کنند (ص ۲۷۸)، ... البته با دقت در ساخت این واژه‌ها و موارد مشابهی که به دلیل وجود فاصله میان دو بخش واژه یا وندها و پایه آن، ممکن است به نظر رسد که نیم‌فاصله در آن رعایت نشده است. در برخی از سرهم‌نویسی‌های نیز اشکالاتی وجود دارد و بهتر است که در کتاب‌های انتشارات سمت نیز این موارد جدانویسی شود: اغلبشان (ص ۱۶)، کتابخانه (ص ۳۹)، ... همچنین با توجه به آنچه در نگارش زبان فارسی معمول شده، بهتر بود در مواردی چون «... نظریه، مدل، برنامه، و پایگاه» پیش از «و» «» نمی‌آمد.

حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، فاصله خطوط، اندازه فونت و قطع کتاب از هر نظر مناسب یک کتاب درسی است. طرح جلد با توجه به تصویری که در آن دیده می‌شود و از جمله سیناپس‌هایی - یا آن‌گونه که مترجم محترم کتاب برابر نهاده است، «همایه‌ها» - که در آن دیده می‌شود یادآور سیستم مغزی و عصبی است و از این نظر با موضوع کتاب هم‌راستا است.

۲. بررسی محتوایی

موضوع و حوزه مورد مطالعه کتاب نو و جوان است. بنابراین اصطلاحات تخصصی این حوزه به‌ویژه در زبان فارسی آنچنان جاافتاده و منسجم نیست که درباره آن همگان اجماع نظر داشته باشند. این امر بی‌گمان کار مترجمان چنین کارهایی را دشوارتر می‌کند. با این‌همه، مترجم در این کتاب اصطلاحات را به‌صورت یک‌دست به کار برده است، و همان‌گونه که در «پیش‌گفتار مترجم» نیز آمده، کوشش شده است که «در برابری واژه‌ها ... برابر نهاده یگانه‌ای برای هر یک از واژه‌های انگلیسی تخصیص» دهد. در موارد لازم نیز مترجم با افزودن پانوشته‌هایی، توضیحات لازم را درباره برخی اصطلاحات و برابری‌های گزینش شده برای آنها را به خواننده ارائه کرده است. همچنین باید بگوییم، به‌طور کلی برابری‌های مترجم در کتاب خوب و پذیرفتنی است؛ و در موارد زیادی

این کار بسیار خوب انجام گرفته است. برای نمونه، مترجم پاره‌گفتار انگلیسی را Computational-Representational Understanding of Mind که «سرنام» آن CRUM است به‌صورت «فهم رایانشی- باز نمودی ذهن» ترجمه کرده است که ترجمه بسیار خوبی است به‌گونه‌ای که «سرنام» پذیرفتنی «فرمان» نیز از آن ساخته شده است. باین‌همه، در پاره‌ای موارد دربارهٔ برابری که مترجم برای اصطلاحی انتخاب کرده است، می‌توان پرسش کرد. برای نمونه، مترجم prototype را به «سرنمون» (ص ۱۰۱) ترجمه کرده است که همان‌گونه که خود نیز در پانویست صفحه ۱۰۱ آورده است، دارای برابری‌های جاافتاده و شفاف‌ی در نوشته‌های رشته‌های مرتبط در زبان فارسی است. به نظر می‌رسد بهتر بود، مترجم یکی از آنها را به کار می‌گرفت، به‌ویژه اینکه ترکیب «نگرش سرنمونی» که مترجم در جای دیگری (ص ۱۰۲) به کار برده است نیز مبهم به‌نظر می‌رسد. برابر گزینش‌شده برای “Sun Workstations” یعنی «ایستگاه‌های کاری سان» (ص ۲۳) هم پرسش‌ساز است، و دست کم شاید بهتر بود که مترجم آن را با توضیحی در پانویست همراه می‌کرد.

از ابزارهای علمی (طرح بحث مقدماتی، جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، نمودار، جدول، آمار، مقایسه، تصویر، نقشه و ...) در حد مطلوبی بهره گرفته شده است، به‌گونه‌ای که علاوه بر زمینه‌چینی‌هایی که در مقدمه مولف، پیش‌گفتار مترجم و فصل‌های مختلف بخش ۱ کتاب برای تفهیم مطالب شده، هر فصل کتاب نیز دارای بخش «مطالعهٔ بیشتر»، «وبگاه‌ها» (برخی فصل‌ها این قسمت را ندارند)، «سوال‌هایی برای مباحثه» و «یادداشت‌ها» است که هر یک به سهم خود در تفهیم و تعمیق مطالب نقش دارند. از تصویرها، نمودارها و دیگر ابزارهای یاددهی هم به نحو مقتضی بهره گرفته شده است.

با توجه به کل محتوای کتاب و همچنین محتوای هر فصل، می‌توان گفت که هم عنوان «کتاب‌ذهن: درآمدی بر علوم شناختی» با محتوای کتاب سازگار است، و هم عنوان هر فصل با آنچه که در آن آمده است، همخوانی دارد. به سخن دیگر، کل کتاب به معرفی علوم شناختی یا حوزه‌های علمی مرتبط به آن می‌پردازد و مطالب هر فصل نیز به معرفی موضوع آن پرداخته است.

این کتاب ترجمهٔ ویراست دوم متن انگلیسی کتاب است که در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است. از این‌رو، می‌توان گفت، کتاب به‌اندازه کافی نو است. همچنین با توجه به بخش منابع کتاب و اینکه بسیاری از منابعی که بدان‌ها استناد شده است پس از سال ۲۰۰۰ نوشته شده، می‌توان گفت داده‌ها و اطلاعات ارائه‌شده در کتاب در حد قابل قبولی روزآمد است. مترجم محترم در پیش‌گفتاری که بر کتاب نوشته است به «به‌روزرسانی» وبگاه‌های فهرست‌شده در انتهای هر فصل، اشاره کرده که این

موضوع نیز به روزآمدی کتاب، کمک کرده است. در کتاب از منابع بسیاری استفاده شده است. این منابع هم شامل منابع پایه و کلاسیک این حوزه می‌شود، و هم منابعی که در زمان نوشتن کتاب به تازگی منتشر شده بودند. در واقع بخش منابع کتاب ۱۷ صفحه از حجم آن را به خود اختصاص داده که در بردارنده نشانی صدها منبع است. منابعی هم که در بخش «مطالعه بیشتر» هر فصل معرفی شده برای خواننده بسیار سودمند است. بنابراین می‌توانیم بگوییم، کتاب از این حیث کتاب پرباری است. در این اثر از هیچ منبعی بدون ذکر مأخذ آن، استفاده نشده است. استنادات و ارجاعات کتاب به صورت درون‌نوشت و با ارائه اطلاعات لازم داده شده است. منابع کتاب به صورت استاندارد تنظیم شده است. در مواردی هم که شکل‌های ارائه‌شده در کتاب برگرفته از منبع دیگری است به همین ترتیب نشانی آن داده شده است. در مورد نشانی وبگاهها نیز اصول لازم رعایت شده است.

تقسیم مطالب کتاب به گونه‌ای است که به مولف امکان داده است هم در آمدی به علوم شناختی بنویسد، و هم موضوع کتاب را در پیوند با حوزه‌های دیگر معرفی نماید. از این رو، برای نمونه، او توانسته است در فصل ۱۳ کتاب، علوم شناختی و «فرابان» را در بافت اجتماعی و در پیوند با موضوعاتی چون «معرفت‌شناسی اجتماعی»، «هوش مصنوعی توزیعی»، «فرهنگ» و... مورد بحث قرار دهد. چه در کل کتاب، و چه در هر فصل آن، مطالب منسجم و در پیوند با هم ارائه و گسترش داده شده است، و آشفتگی و به هم‌ریختگی در مطالب کتاب دیده نمی‌شود. مؤلف از سویی علوم شناختی را معرفی می‌کند و از سوی دیگر، چشم‌انداز آینده آن را به تصویر می‌کشد.

ترجمه کتاب کامل و در عین حال متن بسیار روان و ساده است. مترجم محترم در پیش‌گفتار خود اشاره کرده است که کوشیده «میان وفاداری به متن و تسهیل درک مخاطب توازن برقرار» کند. البته همچنین اشاره کرده است که برخی از اشتباهات متن اصلی را اصلاح کرده و در «مواقع ضروری» برخی «مثال‌ها و مفاهیم متناسب با فرهنگ و زبان مخاطب ایرانی»، ترجمه شده است. این روش‌های مترجم یکی از عوامل خوش‌خوانی متن کتاب است. در برابری‌ها، مترجم دقت لازم را داشته است که البته این - همان گونه که نمونه‌هایی را در بالا آوردیم - به معنای این نیست که بر کار او نمی‌توان ایرادی گرفت. مترجم همچنین در پیش‌گفتار به چند نکته خوب درباره ترجمه کتاب اشاره کرده و در مواردی پانویس‌های توضیحی را نیز به متن افزوده است. تنها نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره کرد، این است که بهتر بود در ترجمه مواردی چون «... سعی بر آن بوده که به جای درختان، جنگل در کانون توجه باشد» (ص ۲) که بخش دوم آن ترجمه ضرب‌المثل شناخته‌شده‌ای در زبان انگلیسی است، با دقت بیشتری عمل می‌شد و به جای ترجمه تحت‌اللفظی

ضرب‌المثل مورد نظر، برابر فرهنگی آن را در زبان فارسی اعمال می‌شد. همچنین نمونه‌هایی چون «پرسش‌های حیاتی» (ص ۱۶) خرده‌پذیر به نظر می‌رسند، زیرا اجزای این ترکیب در زبان فارسی چندان با هم هم‌نشین نیستند.

۳. ارزشیابی کلی و پیشنهادها

این کتاب می‌تواند برای درس‌های تاریخ زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان، مکاتب زبان‌شناسی در رشته‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی، علوم شناختی و فلسفه در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به آنکه این کتاب درآمدی به علوم شناختی و مطالعات ذهن است، بهترین بهره از آن را می‌توان در دوره کارشناسی ارشد دروس مرتبط برد. اما با توجه به آنکه کتاب از متنی ساده و روان و بدون پیچیدگی برخوردار است در درس‌های دوره کارشناسی هم می‌توان آن را به دانشجویان معرفی کرد. همچنین این کتاب برای دانشجویان علاقه‌مند از رشته‌های دیگر هم می‌تواند سودمند باشد. با توجه به کمبود منابع خوب در این حوزه به زبان فارسی، برخی از فصل‌های آن برای دانشجویان دوره‌های دکتری نیز می‌تواند سودمند و آموزنده باشد. این کتاب از جنبه‌های مختلف، کتاب ارزنده‌ای است و ویژگی‌های لازم برای یک کتاب درسی را دارد. توجه به برخی اشکال‌هایی که بر ویرایش، نگارش یا ترجمه آن وارد است، رفع آنها در چاپ‌های بعدی، این کتاب را از هر نظر بی‌عیب خواهد کرد.